

## شناخت بافت تاریخی دزفول و کاربرد آنها در توسعه شهر

علی پناه یزدان، تورج جلیلی

### چکیده

شهر بزرگترین نماد تمدن است که بشر آن را برای امنیت و آسایش خود بنا نموده است. شهر تنها یک سکونت گاه نیست، بلکه یک آبادی است که روح اجتماع در آن دمیده می شود و از آن هویت می گیرد. شهر دزفول در اثر تحول تاریخی، دچار دگرگونی شده و شکل جدید آن که در روندی منطقی می باید از درون سازمان قدیم رشد یابد، برای رسیدن به طرحی نو، انسجام و پیوند با ساختار قدیم را برهم زده است. از این رو تقابل و تعارضی آشکار میان شکل جدید و سیمای کهن که نتیجه قطع رشد درون زای شهر است، صورت گرفته است. شهر قدیم که روزگاری با پوشش و پویایی، باعث زایش مفاهیم شهروندی بود در محل خود ساکن شده و این سکون طولانی، آنرا بسوی فرسودگی هدایت می کند. بی توجهی مسئولان و بی تفاوتی ساکنان که به تبع مهاجر بودنشان نه دل بستگی مکانی دارند و نه خاطره فضایی، دیوار از پس دیوار را فرو می نشاند و با هر فرو ریختنی بخشی از فرهنگ شهری فرو می ریزد بدین ترتیب در این مقاله سعی شده است تا پیوستگی، تداوم و ارتباط شهر کهن با شهر جدید را در شهرسازی بررسی نموده، و بتوان آن را احیا نمود. این ارتباط به صورت متعادل و پایدار زمانی رخ می دهد که موجودیت ساختار شهر قدیم شناخته شود و ریشه های تداوم آن نیز بررسی و تقویت گردد.

**واژه های کلیدی:** دزفول، استخوان بندی شهر، شهر ارگانیک، سلسله مراتب کالبدی - فضایی، هویت.

## مقدمه

ساختار شهرهای کهن، استعداد و قدرت حیات و زندگی را دارد و پدیده ای ماندگار است. ساکنان یک شهر به این فضاهای ماندگار نیاز دارند تا به آنها تعلق داشته باشند و معنای سکونتشان را از گذشته ای دیرین تا به امروز درک نمایند. «کوپن لینچ» ماندگاری را میزان مقاومت عناصر یک شهر در برابر فرسودگی و زوال و دارا بودن توانایی فعالیت طی دوره طولانی تعریف می کند [۱]. در این مقاله سعی شده تا با مروری گذرا بر احیا و بازسازی بافت های کهن، رویکردی مناسب در جهت شناخت و بررسی سیر تحول ساختار فضایی بافت قدیم دزفول در مقاطع مختلف تاریخی تا به امروز، اتخاذ گردد. در این زمینه تئوری های مختلفی ارائه شده که به چند مورد به اختصار اشاره می گردد.

کامیلو سیته در کتاب «هنر ساختن شهرها» نظرات مرمتی خود را بصورت سلسه مراتب مکانی یا فضایی، تلفیق و انطباق، هویت تاریخی، توازن از طریق سامان دهی فضاهای شهر، نفی عبور سریع در بافت های کهن و اولویت با عابر پیاده در درون بافت با رعایت مقیاس انسانی بیان میکند [2]. ادموند بیکن در اثر با ارزش «طراحی شهرها» نظریه «سامان دهی استخوان بندی اصلی شهرها» را متأثر از رشد شهر بر شهر، با برخورداری از انگاره ای روشن از استخوان بندی شهر تشریح میکند. بدین ترتیب هر بخش از شهر قادر خواهد بود که در پیوند با استخوان بندی اصلی، در سطح وسیعی گسترش و تداوم یابد و قابلیت تغییر و اصلاح داشته باشد [3]. کریستوفر الکساندر هدف از مداخله در بافت های کهن را سامان دهی دگرگونی ها میدانند و شیوه اقدام، بازسازی، نوسازی و بهسازی می باشد، کاربری پیشنهادی وی، معاصر سازی و روش مداخله روش جامع مرمت شهری است [4]. کوپن لینچ نیز با ارائه نظریه ها و دستورالعمل هایی، هدف از مداخله در بافت های کهن را ایجاد حس تداوم، خوانایی و سرزندگی در کالبد بافت قدیم می داند [4].

دکتر محمدمنصور فلامکی نیز جهت باز زنده سازی شهرهای تاریخی روش هایی چون طرح های بهداشتی و فنی، طرح های تزئینی، طرح های بازسازی، مرمت فضا محدود و طرح جامع مرمت شهری را ارائه می کند [5]. دکتر خوشنویس، گام اول در شناخت بافت های تاریخی را تدوین نظام ارزشمندی های آن می داند که این نظام می تواند ترکیبی باشد [6]. دکتر منصور بافت تاریخی را به عنوان یک سیستم و کلیت یکپارچه می داند و هویت و حیات بافت تاریخی را با سازمان فضایی تعریف می کند که تهدید اصلی علیه آن، مداخلات ناآگاهانه و نابخردانه است و شناخت بافت را در گرو شناخت سازمان فضایی شکل دهنده به آن می داند [7]. هدفی که جهت باز زنده سازی یک بافت در نظر گرفته می شود باید خدمت به جریان زندگی را مدنظر داشته باشد؛ در این صورت است که مفهوم دار می شود. بایستی تداوم گذشته و حال را مورد توجه داشت و به شهر به عنوان یک مجموعه و نه عناصر منفک و مجزای تاریخی - شهری، بلکه به عنوان بافت تاریخی و یک ارگانیزم زنده و پویا نگاه کرد [8].

فصل مشترک تمامی نظراتی که ذکر شد، ضرورت شناخت ساختار اصلی شهر کهن و سلسله مراتب کالبدی و فضایی اش به عنوان یک سیستم یکپارچه متشکل از سلول های عناصر و اجزای هویتی آن، پیش از هرگونه مداخله در بافت است. شناخت بافت کهن دزفول از زمان پیدایش تا به امروز با رویکردی تاریخی به بستر تحولات شهرسازی آن در چهار زمینه کالبدی، عملکردی، شبکه ی دسترسی و ویژگی های بصری و نشانه های شهری صورت گرفته است. در مبحث بررسی های کالبدی، ابتدا شناخت عناصر ساختار اصلی شهر صورت می گیرد. «مقصود از ساختار اصلی، مجموعه ی مرتب و پیوسته ایست مرکب از عناصر اصلی و فعالیت های اصلی شهر که فضاهای شهری آن یعنی میدان ها و خیابان ها را تشکیل می دهد» [9].

این عناصر در دو گروه عناصر طبیعی و عناصر مصنوع طبقه بندی می شوند. عناصر طبیعی عبارتند از: ناهمواری ها، رودخانه ها، پوشش گیاهی و عناصر مصنوع عبارتند از: ابنیه و مراکز فعالیت، فضای سبز و باز شهری، شبکه ی راه ها. در بررسی شبکه دسترسی، اول ارتباط نقاط مختلف شهر و خارج شهر به شبکه ی استخوان بندی اصلی و دوم شبکه ی ارتباط داخلی و دسترسی

بین عناصر بافت قدیم مطالعه می شود. در ویژگی های عملکردی و فعالیت ها علاوه بر شناخت کارکردهای گوناگون عناصر شهری، ابعاد اجتماعی- فرهنگی و ابعاد اقتصادی فعالیت ها نیز مورد تحلیل قرار می گیرد. در بررسی ویژگی های بصری، نشانه های شهری و شبکه ی نمادین شهر مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

## روش تحقیق

هدف این مقاله شناخت هویت تاریخی بافت قدیم دزفول بر مبنای روش توصیفی- تحلیلی و بهره مندی از شیوه گردآوری اطلاعات با استفاده از منابع، اسناد و مدارک مرتبط و مطالعات میدانی است.

### ۱. عوامل طبیعی و محیطی مؤثر بر شکل گیری شهر

اگرچه عوامل نظامی و دفاعی مهم ترین نقش را در ایجاد هسته اولیه ی شهر دزفول داشته اند، اما نحوه ی شکل گیری، استقرار و گسترش شهر از عوامل طبیعی و محیطی تبعیت داشته است. برای ایجاد یک قلعه نظامی به منظور محافظت از پل قدیمی، بلندترین مکان در کنار رودخانه و نزدیک به پل، به منظور احاطه بر زمین های اطراف و غلبه داشتن بر دشمن در هنگام جنگ، انتخاب شده است. وجود رودخانه و امکان دسترسی آسان و وجود زمین های زراعی با خاک مرغوب برای کشاورزی که امکان رشد شهر و تداوم بقای آن را در زمان های بعدی فراهم می آورده است، از دیگر مسائل مؤثر در پویایی و استمرار حیات شهر بوده اند. شیب طبیعی کنار رودخانه و امکان هدایت آب های سطحی در بافت به طرف آن، به عنوان یک کانال طبیعی در نحوه ی شکل گیری بافت قدیم شهر دزفول نقش مهمی داشته است. همچنین مسأله ی مهم دیگری که در شکل گیری نوع ساختمان و فضاهای داخلی شهر دزفول و تمایز نحوه ی ساخت خانه های قدیمی آن با شهرهای دیگر ایران مؤثر است، جنس زمین می باشد. زمینی که بافت قدیمی شهر دزفول بر پهنه ی آن استقرار یافته است دارای بستر سخت کنگلومرایی می باشد [10]. این حالت، امکان حفر کانال های هدایت آب و ایجاد شوادان ها و شبستان هایی را در دل زمین برای پایداری شرایط زیست فراهم آورده است [11].

### ۲. پیدایش شهر دزفول و رشد اولیه ی آن

دزفول معرب دژپل است. پل دزفول در میانه راه جندی شاپور و شوش قرار داشت و پادشاهان دژی در کناره رودخانه نزدیک به آن ساخته بودند تا آن را از تصرف و تخریب راهزنان حفظ نمایند. پس پل و دژ (قلعه) که اکنون در قسمتی از آن محله قلعه دزفول واقع است از نخستین بناهایی بوده که در آنجا واقع شده است و البته وجود قلعه ای دیگر در کنار آن نیز در متون قدیمی بیان شده است. این پل را پل روناش و دز را قصر الروناش گفته و مردمش را قصری نامیده اند. مقدسی در اواخر قرن چهارم در ذکر شهرهای ولایت جندی شاپور می گوید [12]. از لور تا اندامش دو فرسخ و از پل اندامش تا جندی شاپور هم دو فرسخ. یاقوت حموی این دو را یک شهر شمرده است [13].

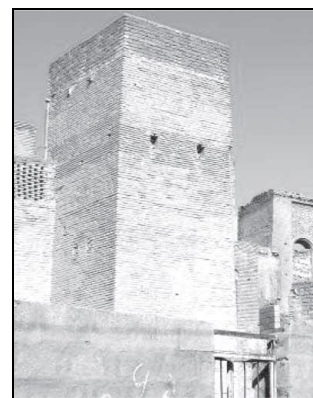
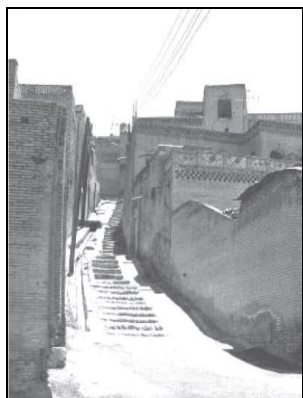
حمدالله مستوفی می گوید: دزفول آن را اندامشک گفته و از اقلیم سوم است. بر دو جانب آن جندی شاپور نهاده است و پل بر آن آب بسته اند و در ازای پل ۵۲۰ گام و عرضش ۱۵ گز و آن پل را پل اندامشک خوانند و آن شهر را بدان پل باز خوانند. در سده ی هشتم اب بطوطه<sup>۱</sup> یکی از دروازه های شوشتر را دروازه «دسبول» نامیده است [14]. آن چنان که از تاریخچه مسجد جامع دزفول پیداست اولین قسمت بنای مسجد به قرن اول هجری برمی گردد؛ شبستانی بزرگ که به غریب خانه معروف

۱. ابوعبدالله بن عبدالله بن ابراهیم طوحی (۷۰۳-۷۷۹) صیاح و جغرفیدان مشهور که از سال ۷۲۵ سفر خویش را آغاز نموده است. ص ۱۱۹ جزء اول دحلہ ابن بطوطه.

بوده و این زمانی است که نامی از دزفول نیست و شهر را به نام روناش می شناسند و احتمالاً این بخش مسجد، پرستشگاه زرتشتیان و یا دیگر ادیان ایرانی پیش از اسلام بوده است [10].

### ۳. سیمای شهر دزفول (از دوران اولیه ی شهرنشینی تا صفویه و زندیه)

نقشه ی قدیم دزفول وجود دو بخش کهندژ و شارستان را روشن می سازد. در دیواره ی بیرونی شارستان بازار و مسکن پیشه وران و بازرگانان و کشاورزان وجود داشته که نام این مشاغل بر کوچه ها (خراطان، جلدوزان، نمدمالان و...) باقی است و در حال حاضر خرابه برج دیدبانی شهر در کناره جنوب غربی صحن بقعه شیخ اسماعیل قصری، در گوشه ی هنوز پا برجاست (شکل ۱). مراحل بعدی براساس وجود بندار هایی<sup>۲</sup> است که خطی منطقی از خندق های الزامی دوران مختلف گسترش شهر را ترسیم می نماید، که شروع آن از اولین تجمع مردم در اطراف قلعه یعنی سده ی پنجم هجری است (شکل ۲). دو دروازه از دروازه های شهر در طرفین حصار قرار گرفته بود یکی در شمال به نام قویی «مرتضی علی» که هم اکنون نیز آثار آن باقی است و دیگری در جنوب به نام دروازه جلدوزان که تنها اسمی از آن در میان اهالی باقی است (شکل ۳).



شکل ۱- بقایایی از برج های شهر (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۶) شکل ۲- نمونه ای از بندار «سرازیری» (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۶)



شکل ۳- هسته ی اولیه ی شهر و دروازه های آن (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۶)

<sup>۲</sup> .سرازیری هایی که اثر خندق های قدیمی است.

بقعه ی شیخ اسماعیل در جوار بازار و محل قلعه از آثار دوره ی سلجوقیان در بیرون شهر قدیم است که یاقوت حموی در سده ی ششم نامی از آن به میان آورده است. استخوان بندی قدیم شهر دزفول سیر تکامل شهرسازی سامانی و آل بویه در دوره سلجوقی با گسترش ربض یا بیرون دیوارهای شارستان را به نمایش می گذارد.

در این دوره همچنان که اساس شهرهای ایرانی بر آن پی ریزی شده وجود مسجد جامع به عنوان عاملی مشخص در بخش بیرونی شارستان یا ربض به چشم می خورد که گسترش بر اولین ساختمان های دوران قبل از اسلام است. بازار همچنان با گسترش منطقه قدیمی همراه است و وجود راسته های مختلف، شخصیتی تازه برای این بخش از شهر فراهم می آورد. گسترش بعدی در دوره تیموری است که از این دوره دو بنا یکی به نام «مامزاده شاه رکن الدین» در قسمت جنوب شرقی حصار و دیگری بقعه ی سیدعلی مشهور به سید سلطان علی رودبند در ساحل شرقی رودخانه دز در شمال و در خارج مقابل محل رعنا<sup>۳</sup> یا همان روناش قدیم وجود دارد که در این زمان محدوده مسکونی اطراف که مسکن مریدان او بوده را در برداشته است. وسیع ترین گسترش در زمان صفویه به وجود می آید که روابط جدیدی در شکل گیری های بعدی است (شکل ۴).

در این دوره همچنان که در دیگر شهرهای همزمان می بینیم خدمات شهری که از زمان اولین شهرهای ایران آغاز و در قرون چهارم و پنجم به اوج خود می رسد، به گونه ای وسیع در تمام قسمت های شهر گسترش می یابد. از آن جمله می توان به عوامل آب رسانی چون قنات و چاه به منظور کشاورزی و آشامیدن، استفاده از آسیاب و نیل سازی جهت پیشبرد عوامل اقتصادی و تجاری نام برد. در این مرحله، هر محله با خدماتی نظیر: حمام، مسجد و بازار همچنان نقشی اساسی و سازنده به صورت واحدی بر بافت شهری داراست. در زمان خلافت عمرین خطاب به دستور وی دور دژپل حصار کشیده می شود که دارای چهار دروازه به قرار زیر بوده است [15].

۱. دروازه پل.

۲. دروازه شوشتر.

۳. دروازه بختیاری.

۴. دروازه خراسان.

عرض حصار در بعضی نقاط به شش متر می رسید و دارای چندین «قل» بود و روی هر قلی برجی و چند نگهبان برای حفاظت شهر بوده است، از جمله قل ننه، که قسمتی از این حصار تا سال ۱۳۲۴ بر جای بوده ولی بواسطه ی احداث خیابان ها و خراب شدن خانه ها و احتیاج به زمین برای مسکن و افزایش جمعیت و ساختن خانه و غیره، حصار برداشته شده و شاید به شعاع سه کیلومتر یا بیشتر جهت تأمین مسکن بر وسعت شهر افزوده شده است. سه دروازه ی مهم شهر در این دوره عبارت بودند از:

۱. دروازه دزفول، که همان پل قدیمی دزفول بوده است.

۲. دروازه شاه خراسان.

۳. دروازه شوشتر، که شهر را در رابطه با شوشتر قرار می دهد. بررسی نقشه ی سال های مختلف نشان گر اهمیت این محور و گویای رفت و شد از شهر به طرف شوشتر و دیگر شهرهای جنوبی است.

آخرین گسترشی که استخوان بندی آن تا حدودی باقی مانده، از دوران قاجار است.

بافت شهری در یک گسترش شعاعی از شهر زمان صفوی و بر طبق اصول مرسوم شهری دنبال می شود و خطوط کلی بافت دارای تداومی منطقی هستند که در دوره ی پهلوی خیابان کشی جدید سبب از هم گسیختگی این بافت می گردد. در دوره ی قاجار بازار اعتبار چندانی را دارا نیست. چنان که در سفرنامه ی خوزستان آمده است [16]. دزفول بازار معتبری ندارد، میدانی دارد که همه ی معاملات در آن انجام می شود، البته بازارهایی در حوزه ی عمل هر محله و برای تغذیه ی آن موجود بوده است.

<sup>۳</sup>. Rana



شکل ۴- بنای امامزاده رودبند (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۴)

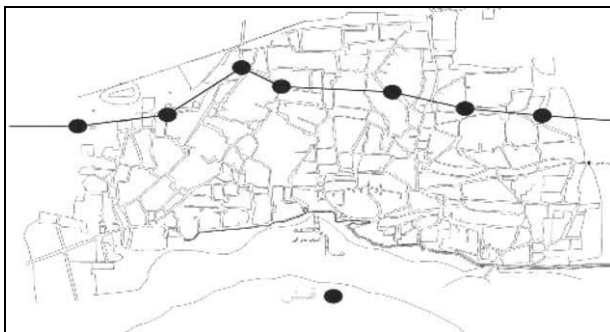
براساس نقشه سال ۱۸۵۰ میلادی که توسط واحد نقشه برداران سروان پرسکوریانکف روس انجام شده این شهر دارای حصار بوده که بوسیله ی شش دروازه کنترل می شده و عبارت بودند از :

۱. دروازه بابا یوسف، در کنار مقبره امامزاده رودبند در شمال شهر که با گسترش شهر و از بین رفتن حصار از بین رفته است.
۲. دروازه بختیاری، در شمال شرقی که همان گونه که از نام آن پیداست دروازه ی ورود لره‌های بختیاری به شهر بوده است.
۳. دروازه شوشتر، در شرق که بر سر راه مهم ترین محور شهر از دروازه پل به سمت شوشتر بوده است.
۴. دروازه شاه خراسان، در جنوب.
۵. دروازه صابیون، در جنوب غربی.
۶. دروازه پل در غرب.

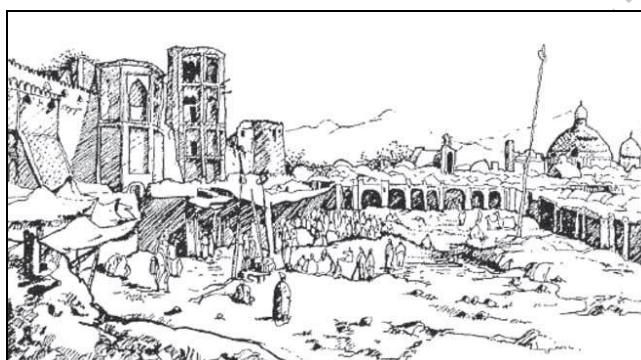
توضیحات نقشه وجود ده میدان در شهر را نشان می دهد که نام و موقعیت شش میدان (میدان اردو، میدان کوچک، میدان باروت، میدان بازار بزرگ، میدان شیخ جمال، میدان کاروان سرا) ذکر شده است. نقشه ۱۸۵۰ میلادی، دزفول را با بیش از پانزده زیارتگاه، هفت مسجد، سه کاروان سرا و پنج حمام معرفی کرده و از نظر موقعیت جغرافیایی به علت قرارگیری در مرز میان قبایل بزرگ و کوچک لرها و قبایل اعراب بادیه نشین از طرف دیگر و تلاقی راه های کاروانرو ایران و عربستان به لحاظ اداری برای ایران دارای اهمیت ویژه قلمداد می کند (شکل ۵).

تجارت عمده ی مردم دزفول در این زمان نیل بوده که به نقاط مختلف ایران و بغداد فرستاده می شده است. بازار در هسته ی مرکزی بافت قدیم دزفول واقع شده و از قرن چهارم و پنجم هجری، همواره آباد و مرکز فعالیت و داد و ستد بوده است؛ لیکن همان گونه که در نقشه ی شهر مشخص شده در این دوران بازار به صورت میدانی بوده که همه ی معاملات در آن انجام می شده است.

در اطراف این میدان سه مسجد و بنای امامزاده اسماعیل واقع بوده است. بازارهای کوچک دیگری در حوزه ی هر محله در حضور مراکز مذهبی چون مساجد و تکیه ها و حمام و مدارس مراکز محله را شکل داده است (شکل ۶).



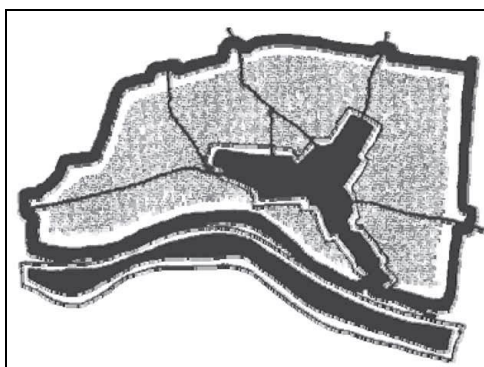
شکل ۵- نقشه ی شهر دزفول (مأخذ : سازمان میراث فرهنگی و گردشگری دزفول، ۱۸۵۰)



شکل ۶- تصویری از میدان مرکزی شهر با برداشت از سبزه میدان در شهرهای مختلف ایران (مأخذ : حمیدی، ۱۳۷۶)

### ۳-۱- ساختار کالبدی

ساختار کالبدی شهر شامل استخوان بندی اصلی در مرکز شهر، محله های مسکونی در پیرامون آن، باغات و مزارع در حواشی محله های مسکونی و سپس احاطه ی کل شهر با حصار بوده است. براساس الگوی سنتی شهرسازی ایران، بخش حکومتی به صورت مجزا از بخش های مسکونی قرار داشته و رابط میان آنها در قسمت شارستان یک فضای باز شهری بوده است. ایجاد کشش میان دو قطب (دروازه شوشتر و پل) فرم خطی را به وجود آورده است. عناصر اصلی به صورت هسته ای در کنار محور قرار گرفته اند (شکل ۷).



شکل ۷- شکل گیری فرم خطی در دو محور (مأخذ : نگارندگان، ۱۳۹۴)

## ۳-۲- بافت شهری

مراد از بافت شهری قطعه بندی اراضی عناصر شهری و نحوه ی ترکیب پر و خالی (فضاهای باز و ساخته شده) در قطعات مختلف با یکدیگر و با گذر اصلی (مسیر دسترسی) است. به جز میدان مرکزی شهر، فضای باز ویژه هر عنصر شهری (فضای باز نیمه عمومی)، در مجاورت شریان اصلی همجوار آن قرار نداشته و فضای باز، محصور در قسمت های ساخته شده است. قطعه بندی های اراضی محدوده مرکزی نسبت به بقیه ی سطح شهر بزرگ تر بوده و الگوی همجواری پر و خالی با گذر به صورت همجواری مستقیم ساختمان ها با گذر و همجواری غیرمستقیم فضای باز عمومی (گذر) با نیمه ی عمومی (حیاط مساجد و کاروان سراها) بوده و ارتباط میان آنها توسط دالانی (ساباط) صورت می گرفته است.

## ۳-۳- ویژگی های بصری و دسترسی ها

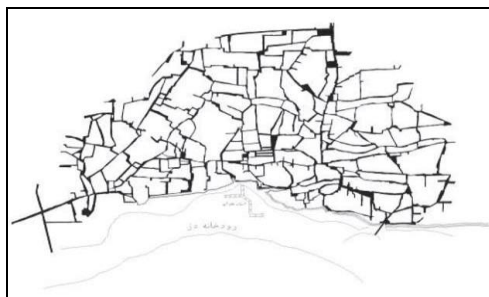
به دلیل فشرده بودن بافت شهری و درجه بالای محصوریت معابر به دلیل بهره گیری از سایه، چشم اندازها از درون عناصر شهر و در محدوده ی درون شهر به یکدیگر محدوده بوده است. تنها جایی که از درون شهر چشم انداز مناسبی داشته احتمالاً میدان مرکزی شهر بوده که با توجه به درجه ی محصوریت پایین، به مسجد جامع، مقبره سبزقبا و باروی شهر دید داشته است. مسجد جامع نیز اگرچه به دلیل وجود معماری متفاوت و احجام رفیع تر نسبت به ابنیه مجاور، نقش نمادینی در شهر داشته است، اما احتمالاً به دلیل الگوی گذرهای مجاور آن از شعاع تأثیر بصری محدودی برخوردار بوده است.

## ۴. سیر تحول بافت قدیم از اواخر قاجار تا به امروز

در اواخر قاجار محدوده عناصر اصلی شهر همچنان دارای موقعیت مرکزی در شهر بوده و با وجود گسترش شهر و تخریب حصار اطراف شهر به علت توسعه از سوی شرق، سایر عناصر در مجاورت و نزدیکی عناصر قبلی قرار گرفته و با توسعه شهر در تمام جهات داخل و برون حصار، موقعیت مرکزی استخوان بندی شهر حفظ گردید.

## ۴-۱- ساختار کالبدی

در تکمیل الگوی خطی قبلی، توسعه ی ساختار شهر در این مرحله، آن را به الگوی خطی- شاخه ای (محور تجاری اصلی) در راستای دروازه شوشتر و پل قدیم و ترکیب خطی- هسته ای در محور شمالی جنوبی (بازار و مسجد جامع و امامزاده ها) تبدیل می نماید. در این مرحله همچنان هسته های کوچک از مراکز محله وجود دارد که توسط مسیرهای اصلی به مرکز شهر متصل می شوند. به طور کلی می توان گفت که دو الگوی خطی- شاخه ای و خطی- هسته ای به صورت ترکیب با یکدیگر وجود داشته است (شکل ۸).



شکل ۸- نقشه ی شهر دزفول (مأخذ: اداره ی میراث فرهنگی شهرستان دزفول، ۱۳۰۸)



## ۴-۲- بافت شهری

از نظر بافت شهری تا زمان پهلوی تغییری جز اضافه شدن مدارس و مساجد جدید با قطعه بندی با مساحت بیشتر و دارای فضاهای باز مشاهده نمی شود؛ اما همچنان الگوی درون گرایی بافت قابل توجه است. رشد بافت همچنان به صورت ارگانیک و نامنظم است و معابر دارای درجه محصوریت بالایی می باشند. بررسی فضای پر و خالی بافت، بافتی فشرده و به هم تنیده را نشان می دهد.

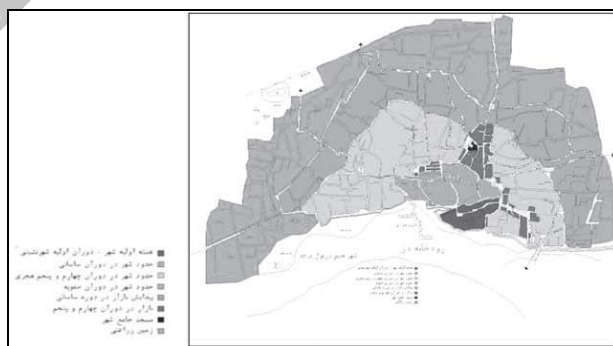
## ۴-۳- شبکه ی دسترسی

گسترش ساختار شهر در امتداد محورهای اصلی دسترسی از نقاط مختلف شهر به آن را نیز باید ناشی از نقش مهم شبکه ی دسترسی ها به این محدوده دانست. توزیع دسترسی از ساختار اصلی به نواحی مختلف آن از الگو و نظام مناسب برخوردار بوده به نحوی که دسترسی به تمام قسمت های شهر را فراهم ساخته است. این الگو به صورت انشعاب شاخه های اصلی از ستون فقرات شهر و سپس اتصال آن به صورت شبکه ی شطرنجی نامنظم با راه های فرعی است (شکل ۹ و ۱۰).



شکل ۹ و ۱۰- پر و خالی بافت قدیم دزفول در اوایل پهلوی اول (مأخذ: نگارندگان براساس نقشه ی سال ۱۳۰۸)

گسترش بافت به صورت شعاعی از دوران اولیه ی شهرنشینی تا اواخر قاجار در دوره ی پهلوی اول با احداث خیابان های جدید بدون توجه به روند منطقی درون زای شهر و به تقلید از شهرهای اروپایی وارد مرحله ی جدیدی شد که منجر به گسست بخش قدیم در ساختار درونی و ارتباط بیرونی گردید (شکل ۱۱).



شکل ۱۱- مراحل گسترش شهر از ابتدا اوایل پهلوی اول (مأخذ: شناخت شهر و مسکن بومی ایران، ۱۳۵۳)

## ۵. تحول شهر و سیمای آن در دوره ی پهلوی

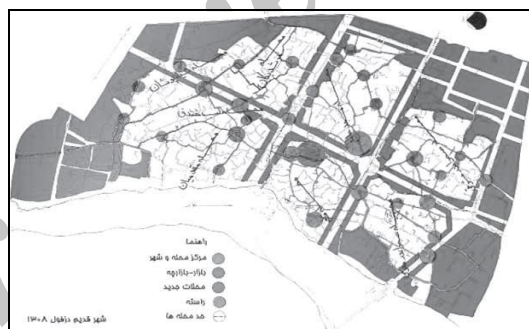
در دوره ی پهلوی اول و متعاقب آن پهلوی دوم به علت تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی، شهر چهره جامعه ای اداری-صنعتی به خود گرفت. به علت سرعت آهنگ رشد شهر و با هدف ایجاد تغییرات بنیادین، در پی گسترش شهر به خارج از حصار، حصار به طور کامل از بین رفت و خیابان های جدید درون بافت احداث گردید. بدین ترتیب سیما و هویت بافت قدیم که شهری قرون وسطایی و محصور بود تغییر یافت و شهری که محدوده های رشد فیزیکی آن از میان برداشته شده بود، در جهت دست یافتن به سیما و هویتی نوین گام برداشت. از این دوره آنچه که بیش از هر چیز به یاد مانده، خیابان کشی هایی است که به تقلید از شهرهای اروپایی، بافت شهری بریده شد و ابتدا و انتهای آن به هم وصل گردید.

### ۱-۵- ویژگی دسترسی و آمد و شد

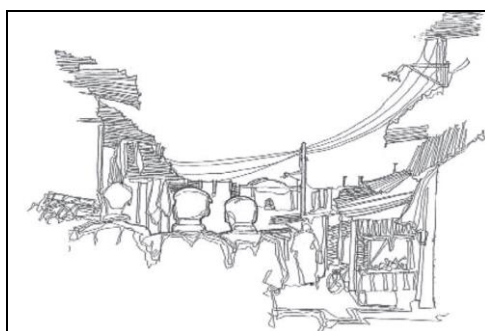
با افزایش اهمیت خیابان در شبکه آمد و شد و به ویژه ضرورت های به کارگیری از وسایل نقلیه ی موتوری، رابطه ی عناصر و کاربری های مستقر در ساختار شهر و شبکه راه ها به سه صورت در می آید .

۱. اصلاح، تعریض و تداوم مسیرهای قبلی.
۲. پیش بینی احداث کاربری همراه با احداث خیابان.
۳. احداث شبکه ی راه و سپس استقرار تدریجی ابنیه و مراکز تجاری (شکل ۱۲).

بازار که با گسترشی خطی- هسته ای توسعه یافته بود، به علت پاره شدن ساختار زنجیره ای اش در بعضی قسمت ها به صورت خطی (بازار خراطان) و در قسمت های دیگر به صورت ترکیبی از الگوی خطی و هسته ای (راسته بازارها در هسته اولیه ی بازار) به حیاتش ادامه می دهد (شکل ۱۳).



شکل ۱۲- موقعیت خیابان کشی های جدید در درون بافت و قرارگیری مراکز محله و شهر (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)



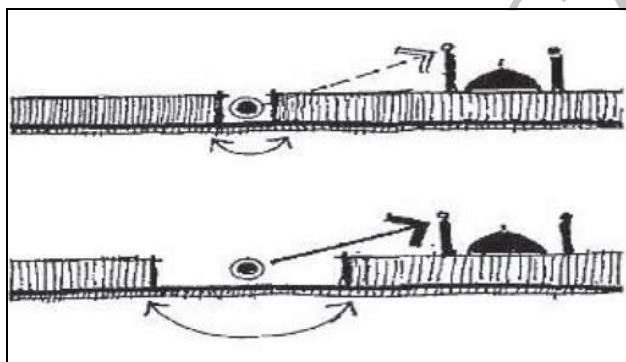
شکل ۱۳- الگوی خطی بازار آهنگران به صورت بازار روباز با توجه به شرایط اقلیمی (مأخذ: صدیق، ۱۳۸۴)

## ۲-۵- ویژگی های بصری

تا دوره ی پهلوی به علت تسلط الگوی درونگرا، دید مستقیم از عناصر به یکدیگر وجود نداشت و یا بسیار محدود بود اما در این دوره با احداث میادین و خیابان ها که درجه ی محصوریت اندک و لذا دید وسیعی داشتند، حوزه ی دید و چشم اندازهای جدیدی گشوده شد (شکل ۱۴).

گسستگی بافت در بین سال های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۵ با احداث پل جدیدی بر روی رودخانه دز و امتداد آن به درون بافت قدیم بیشتر شد و سبب از بین رفتن بیش از پیش یکپارچگی بافت و فضاهای شهری درون آن شد (شکل ۱۵).

تأثیر تجزیه گرایانه اتومبیل و جریان مداوم مصالح جدید و مدپرستی از دلایل بارز عدم موفقیت در نیل به وحدت در جوامع مختلف است. به نظر می رسد در بطن طراحی معاصر یک حرکت تند و شدید ضد شهری نهفته است [18]. تغییرات اقتصادی، اجتماعی در دوران پهلوی و گرایش های تجددگرایانه، نوعی معماری نو و برونگرا را به نمایش گذاشت که در تعارض با معماری درونگرای شهر کهن قرار گرفت.



شکل ۱۴- حوزه های دید و چشم اندازهای جدید با احداث خیابان ها (مأخذ: حمیدی، ۱۳۷۶)



شکل ۱۵- از بین رفتن یکپارچگی بافت (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

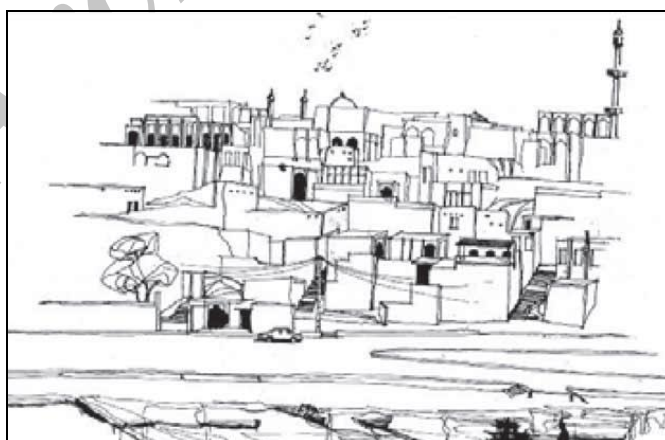
## ۶. سیمای کنونی بافت قدیم

با نگاهی به سیمای شهر دزفول، انطباق سیستم معماری و شهرسازی با ویژگی های طبیعی و جغرافیایی منطقه را می توان دید. استفاده از خاک به عنوان یکی از مصالح در دسترس و ارزان در ساختمان خانه ها به شدت رواج داشته است. خشت خام و آجر نقش عمده ای را در ساختمان سازی شهر ایفا کرده است (شکل ۱۶).



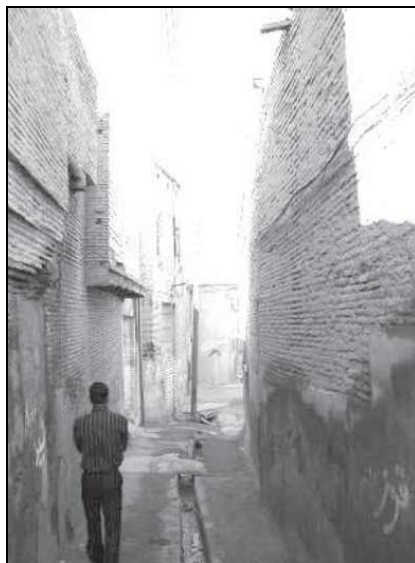
شکل ۱۶- چشم انداز بافت آجری دزفول (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۸۸)

عوامل اقلیمی به همراه عوامل طبیعی و توپوگرافی، در شکل گیری و پیچیدگی بافت قدیم دزفول نقش بسزایی داشته اند. با توجه به گرمای زیاد منطقه در بعضی از فصول، جای گیری بافت قدیم در کنار رودخانه، بی تأثیر از توجه به نقش رودخانه به عنوان تعدیل کننده دمای هوا نبوده است. به عبارت دیگر بادهایی که از روی رودخانه عبور کرده و به سمت شهر می وزند، به مثابه یک سیستم تهویه ی شهری عمل می کنند. جهت گیری بافت و معابر آن در جهت باد مطلوب و سعی در به درون کشیدن نسیم خنکی که از سمت رودخانه می وزد، به مانند یک سیستم تهویه شهری عمل می کند (شکل ۱۷).



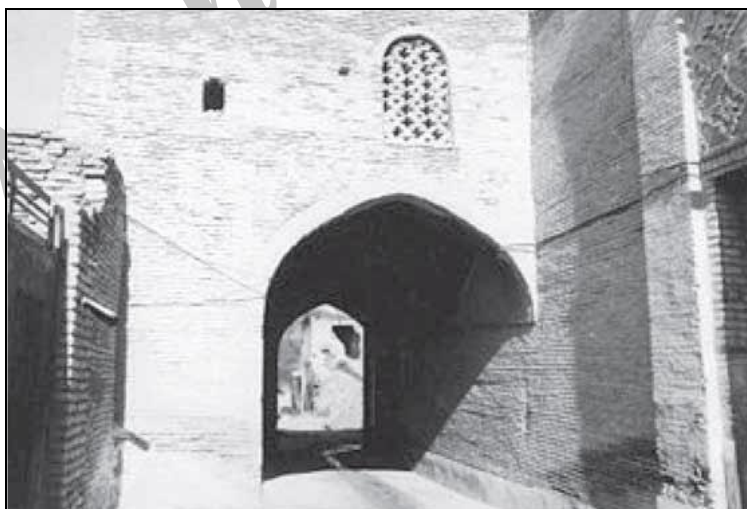
شکل ۱۷- نحوه ی قرارگیری معابر و بازشوها در جهت بهره گیری از تهویه ی طبیعی (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

همچنین بلندی دیوارهای یک طرف کوچه و کم عرض بودن کوچه ها موجب ایجاد سایه به روی دیوارهای طرف مقابل می شود و در نتیجه از تابش آفتاب و ایجاد گرما جلوگیری می کند (شکل ۱۸).



شکل ۱۸- تناسبات معبر جهت سایه و کوران بهینه (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

وجود معابر سرپوشیده و سطوح افقی بناها (ساباط ها) نیز متناسب با شرایط ویژه ی اقلیمی مناطق گرمسیر است، به نحوی که امکان مقابله با گرما و ایجاد سایه را برای عابران فراهم می آورده است (شکل ۱۹).



شکل ۱۹- ساباط ها مأمنی برای عابران در برابر آفتاب سوزان (مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۴)

## نتیجه گیری

شهر قدیم، میراث شهری گذشته ی ماست. این میراث کهن مفاهیم بنیادی شهر و معماری را برخاسته از بطنی اجتماعی با توجه به عوامل محیطی محفوظ نگاه داشته است. رویکرد تاریخی به شهرسازی قصد تاریخ نگاری ندارد بلکه واکاوی این مفاهیم به منظور تحقق ارتباطی درون زا میان بخش های قدیم و جدید شهر را جستجو می کند. این رویکرد با قیاسی منطقی تحولات تاریخ حرکت شهر را برای شناخت فرصت ها و تهدیدهای موجود بررسی می کند و روشی برای اصلاح و تغییر آنها با استفاده از ظرفیت های پنهان و آشکار موجود در شهر ارائه می نماید. از دلایل مهم شناخت ساختار فضایی شهر در بستر تاریخی، احیا و باز زنده سازی بافت قدیم شهر است؛ زیرا در اغلب شهرها ساختار و شالوده ی اصلی بر استخوان بندی بخش قدیم آن متکی است. در راستای تداوم بخشی به حیات تاریخی شهر، رشد مجدد شهر باید از درون آن صورت پذیرد. رشد شهر از درون بدون توجه بافت کهن و شناخت درستی از ساختار فضایی آن در بستر اجتماعی شهر امکان پذیر نخواهد بود. شکل و کالبد شهر باید بتواند محیط اجتماعی سالم، فعال، بامعنی و متکی بر میراث های فرهنگی گذشته به وجود آورد تا بالاترین هدف شهر را که ایجاد محیطی انسانی و واجد ارزش های والا است، تحقق بخشد. بافت کهن دزفول با وجود استقرار بازار و فعالیت های تجاری، هویت تاریخی و فرهنگی، جاذبه های توریستی بناهای منحصر به فرد درون بافت و وجود کناره رود دز که محدوده ای با پتانسیل بالا برای جذب ساکنان به این نواحی است و وجود امامزاده سبزیقا و مقبره ها و بناهای مذهبی بسیار دیگر می تواند فرصت هایی برای جلب دوباره ی ساکنان بومی ایجاد کند که به بافت، تعلق خاطر دیرینه داشته و توانایی نوسازی و بهسازی را دارند. حفاظت از بافت ارگانیک و محله بندی تاریخی و عدم دخالت مؤثر در شالوده شکنی ساختار فضایی، حفظ سیما و منظر شهری و انطباق با نیازهای زندگی امروزی با حفظ هویت تاریخی، راهکارهایی است که با وجود مدیریت کارآمد شهری امکان تحقق پذیری طرح های باز زنده سازی و احیای بافت های تاریخی را افزایش می دهد.

## مراجع

- [۱] پاکزاد، ج. مبانی نظری و فرآیند طراحی شهری، تهران: انتشارات شهیدی، ۱۳۸۵.
- [۲] حبیبی، م.، مقصودی، م. مرمت شهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱.
- [۳] حبیبی، ک.، پوراحمد، ا.، مشکینی، ا. بهسازی و نوسازی بافت های کهن شهری، انتشارات دانشگاه کردستان، ۱۳۸۶.
- [۴] حبیبی، م. از شار تا شهر، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵
- [۵] فلامکی، م. باز زنده سازی بناها و شهرهای تاریخی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۵.
- [۶] کوچک خوشنویس، ا. میزگرد بحران بافت های تاریخی و فرسوده شهری، ویژه نامه ی حفظ و احیای بافت تاریخی شهرها، ضمیمه ی شماره ی ۶۱ شهرداری ها، ۱۳۸۳.
- [۷] منصور، ا. میزگرد بحران بافت های تاریخی و فرسوده ی شهری، ویژه نامه ی حفظ و احیای بافت تاریخی شهرها، ضمیمه ی شماره ی ۶۱ شهرداری ها، ۱۳۸۳.
- [۸] پورجعفر، م. مبانی بهسازی و نوسازی بافت قدیم شهرها، دانشکده ی هنر، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.
- [۹] توسلی، م.، بنیادی، ن. طراحی شهری ۱، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۷۱.
- [۱۰] امام اهواری، م. مقالاتی درباره ی تاریخ جغرافیایی دزفول، دزفول: انتشارات دارالمؤمنین، ۱۳۸۲.
- [۱۱] پورعلی، ح. دزفول، تهران: افروز، ۱۳۷۴.
- [۱۲] مقدسی، م. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ترجمه ی علی نقی منزوی، تهران: انتشارات کومش.
- [۱۳] حموی، ی. معجم البلدان، ترجمه ی محمود محمدی، تهران: انتشارات آژند، ۱۳۸۱.



## همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران

یزد - بهمن ماه ۱۳۹۴

National conference of native architecture & urbanism of IRAN



- [۱۴] رحیمیه، ف.، ربوبی، غ. شناخت شهر و مسکن بومی ایران در شرایط آب و هوایی گرم و نیمه مرطوب، دزفول - شوشتر، تهران : انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۳.
- [۱۵] رشیدیان، ن. نگاهی به تاریخ خوزستان، تهران : انتشارات بوعلی، ۱۳۶۷.
- [۱۶] نجم الدوله، ع. سفرنامه ی خوزستان، تهران : مؤسسه ی مطبوعاتی علمی، ۱۳۴۱.
- [۱۷] حمیدی، م.، سیروس صبری، ر. استخوان بندی شهر تهران، جلد دوم، معاونت فنی و عمرانی شهر تهران، ۱۳۷۶. [۱۳] صدیق، مرتضی؛ طرح هایی از فضاهای معماری ایران، تهران : انتشارات هنر آبی، ۱۳۸۴.
- [۱۸] هدمن، ر.، یازوسکی، آ. مبانی طراحی شهری، ترجمه ی راضیه ی رضازاده و مصطفی عباس زادگان، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۷۰.

Archive of SID